



## Critical discourse analysis of Domestic Television series (A case study of Aghazadeh series)

Fardin Mohammadi<sup>1</sup>

<sup>1</sup> Assistant Professor, Department of Social Science, Farhangian University, Tehran, Iran. Email: [f.mohamadi@cfu.ac.ir](mailto:f.mohamadi@cfu.ac.ir).

### Article Info

### ABSTRACT

#### Article type:

Research Article

#### Article history:

Received 22 April 2024

Received in revised form 22  
April 2024

Accepted 11 May 2025

Published online 19 July 2025

#### Keywords:

Critical Discourse Analysis,  
Aghazadeh series,  
economy-oriented secularism  
discourse,  
justice-oriented religious  
discourse.

Discourses, through the use of discursive tools (such as the media) and various discourse texts, including television series, represent the different institutions. This study addresses the following key questions concerning television series specifically focusing on one of the most popular Iranian series, "Aghazadeh": How are institutions represented within them? What discourses are presented? What are the relationships between these discourses? And to what social processes do these discourses belong? In response to these questions, Norman Fairclough theory of critical discourse analysis was used as a conceptual framework. Critical discourse analysis approach was used for collecting and analyzing data in research. The research findings indicate that Aghazadeh series portrays a discursive opposition between the two justice-oriented religious discourse and economy-oriented secularism discourse. The central focus of this discursive opposition is the concept of justice itself. The series shows the superiority of justice-oriented religious discourse, by representing it as a more favorable and dominant narrative for establishing justice. To resolve this social conflict, the justice-oriented religious discourse, acting as the dominant discourse, asserts its superiority through the narrative of the "Aghazadeh" series and interpellates its audience (parents and youth) towards its ideology. The primary strategy employed by this dominant discourse to interpellate its subjects is the "hope for the future" strategy. Through such texts, the dominant discourse instills hope in the audience that the economic corruption of the elite will be eradicated. By showcasing this prospect, it effectively interpellates the subjects into its discourse and emboldens them.

**Cite this article:** Mohammadi, F. (2025) Critical discourse analysis of Domestic Television series ... Sociology of Art and Literature (JSAL), 16 (2), 69-87.

DOI: <https://doi.org/10.22059/JSAL.2025.355757.666223>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/JSAL.2025.355757.666223>

## تحلیل گفتمان انتقادی سریال‌های خانگی (مطالعه مورد سریال آفازاده)

فریدین محمدی<sup>۱</sup>

۱. استادیار گروه آموزش علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران، رایانامه: [f.mohamadi@cfu.ac.ir](mailto:f.mohamadi@cfu.ac.ir)

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	گفتمان‌ها با بهره‌گیری از ابزارهای گفتمانی (مانند رسانه‌ها) و متون گفتمانی مختلف از جمله سریال‌های تلویزیونی، به بازنمایی نهادهای اجتماعی می‌پردازند. دقت به این مهم که در سریال‌های تلویزیونی، نهادهای اجتماعی چگونه بازنمایی می‌شود، چه گفتمان‌هایی در آن نمود می‌یابند، روابط بین گفتمان‌ها چگونه‌اند و این گفتمان‌ها به کدام فرایندهای نهادی و به کدام فرایندهای اجتماعی تعلق دارند، مسأله‌ای است که تحقیق حاضر سعی دارد با بررسی یکی از سریال‌های محبوب ایرانی (سریال آفازاده) به آن پاسخ دهد. در راستای پاسخ به این مسئله از نظریات نورمن فرکلاف به‌عنوان چارچوب مفهومی استفاده شد و برای گردآوری و تحلیل داده‌ها نیز از روش تحلیل گفتمان انتقادی استفاده گردید. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که این مجموعه سریال بیانگر تقابل گفتمانی بین دو گفتمان دنیابگرایی اقتصادمحور و گفتمان دینی عدالت‌محور است. محور اصلی این تقابل گفتمانی، عدالت است. این سریال با نشان دادن پیروزی گفتمان دینی عدالت‌محور، گفتمان بهتر و برتر در راستای برقراری عدالت را معرفی می‌کند. برای رفع این نزاع اجتماعی، گفتمان دینی عدالت‌محور از طریق متون گفتمانی (سریال آفازاده) برتری گفتمان خود را به اثبات رسانده و سوژه‌ها (والدین و جوانان) را به گفتمان خود فرا می‌خواند. استراتژی که این گفتمان با استفاده از آن به استیضاح سوژه‌ها می‌پردازد، استراتژی «امید به آینده» است. در این استراتژی، گفتمان مذکور با استفاده از چنین متونی سوژه‌ها را امیدوار می‌سازد که فساد اقتصادی آفازاده‌ها ریشه‌کن خواهد شد و با نشان دادن این امر، سوژه‌ها را به گفتمان خود فرا می‌خواند و به آنها قوت قلب می‌دهد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۸	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۴	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵	
کلیدواژه‌ها:	
تحلیل گفتمان انتقادی، سریال آفازاده، گفتمان دنیابگرایی اقتصادمحور، گفتمان دینی عدالت‌محور	

استناد: محمدی، فریدین (۱۴۰۴). تحلیل گفتمان انتقادی سریال‌های خانگی (مطالعه موردی سریال آفازاده). جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، ۱۶ (۲)، ۶۹-۸۷.

DOI: <https://doi.org/10.22059/JSAL.2025.355757.666223>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: <https://doi.org/10.22059/JSAL.2025.355757.666223>

## مقدمه

در ایران با تکوین فرایندهای مدرنیته، به‌ویژه مدرنیته اجتماعی، گفتمان‌های مختلفی در جامعه شکل گرفته که از یک واقعه یکسان، خوانش‌ها و تفاسیر متفاوت ارائه می‌دهند و همواره سعی بر آن دارند که تفسیر خود را مشروع و مقبول جلوه دهند (محمدی و خالقی‌پناه، ۱۳۹۷: ۱). تفاوت تفاسیر و منازعه‌های حاصل از آن منجر شده که فضای جامعه به فضای مجادله گفتمان‌های مختلف بدل شود. در این منازعه، گفتمان‌ها سعی نموده‌اند که در راستای نیل به اهداف خود از ابزارهای مختلفی از جمله رسانه‌های جمعی بهره‌گیرند و به کمک این ابزارها، به بازنمایی<sup>۱</sup> گفتمانی خود بپردازند و با بهره‌گیری از زبان نکته‌ای معنادار درباره جهان تولید کنند و معنای مورد نظر خود را برسازند.

سریال‌های تلویزیونی از جمله متون گفتمانی هستند که بر مبنای مکانیسم بازنمایی عمل می‌کنند و امروزه به‌عنوان یکی از ژانرهای محبوب، مخاطبان زیادی را به‌خود جلب کرده‌اند. این قسم برنامه‌های تلویزیونی به دلیل تأثیرگذاری عمیق بر ادراکات و کنش‌های مخاطبان، قالب مناسبی برای بازنمایی و بازتولید گفتمان‌ها به‌شمار می‌آیند. از این‌رو، مخاطبین بر این باورند که سریال‌ها بازنمای واقعیت هستند، اما «بر خلاف تصورشان این بازنمایی عین واقعیت نبوده؛ بلکه فرایند گزینش واقعیت است» (محمدی و خالقی‌پناه، ۱۳۹۷: ۷۵). دوربین تلویزیون واقعیات را رمزگذاری کرده و جهت می‌بخشد و این جهت‌گیری خاصیتی فرهنگی و ایدئولوژیکی دارد. در نتیجه معنای پدیده‌ها محصول چگونگی بازنمایی آن‌هاست. بر مبنای چنین درکی از بازنمایی است که مفهوم گفتمان در متون تلویزیونی مطرح می‌شود، زیرا سریال‌های تلویزیونی گفتمان خاصی را بازنمایی می‌کنند و در راستای سلطه آن فعالیت می‌کنند. البته لازم به‌ذکر است که سریال‌های تلویزیونی ماهیت گفتمانی خود را به‌راحتی آشکار نمی‌کنند. این سریال‌ها ظاهراً فقط به منظور بازتاب صرف واقعیت تصویر می‌شوند و ربطی به ارزش‌ها و نگرش‌های فرهنگی سیاستگذاران آن ندارند، اما در پس این ظاهر خنثی، رفتارهای گفتمانی به نمایش در می‌آیند که حکم تعریف تلویحی از واقعیت اجتماعی را دارند و در نهایت نحوه فعالیت ذهن را تعیین می‌کنند (صادقی فسایی و شریفی ساعی، ۱۳۹۳: ۹۸-۹۹؛ محمدی و کریمی، ۱۳۸۹: ۵۰).

یکی از متون فرهنگی که اخیراً در شبکه نمایش خانگی پا به عرصه رقابت با دیگر سریال‌های پرمخاطب گذاشته و طرفداران زیادی پیدا کرده است، سریال «آقازاده» است. این سریال داستانی پرماجرا است که در قالب روایتی عاشقانه به موضوعات مختلف اجتماعی و اقتصادی می‌پردازد. بازیگران این سریال از چهره‌های شاخص سینما و تلویزیون ایران هستند که در ترکیبی عالی در کنار یکدیگر به ایفای نقش می‌پردازند و همین امر سبب شده که این سریال پُر بازیگرترین مجموعه ایرانی لقب بگیرد. سریال آقازاده همانطور که از نامش پیداست در مورد آقازاده‌هایی است که با سوء استفاده از موقعیت و مقام خود و خانواده‌شان دست به فسادهای اقتصادی و سیاسی گسترده و زد و بندهای غیراخلاقی می‌زنند. به طور کلی این سریال از چند ویژگی مهم برخوردار است: موضوع عاشقانه (که مورد علاقه خانواده‌های ایرانی است)، جذابیت کاراکترها، صحنه‌ها و سکانس‌ها، داستان‌ها، رنگ، مدل لباس، دکور و چیدمان منزل و تجملات، اشاره به فسادهای اقتصادی آقازاده‌ها و تقابل مذهبی‌ها و غیرمذهبی‌ها در میدان قدرت. ویژگی اصلی این سریال کشمکش و منازعه آقازاده‌ها حول موضوع فساد اقتصادی است. چنین ویژگی سبب گردیده که این مجموعه سریال توجه بینندگان فراوانی از اقشار مختلف را به سوی خود جلب کند.

با توجه به آن که سریال‌های تلویزیونی، یکی از متون گفتمانی هستند که به بازنمایی جامعه و نهادهای آن می‌پردازند، مسأله اصلی تحقیق آن است که این سریال درصدد بازنمایی چه چیزی است؟ در این سریال چه گفتمان‌هایی نمود یافته‌اند؟ چه رابطه‌ای بین گفتمان‌ها وجود دارد؟ این گفتمان‌ها به کدام فرایندهای اجتماعی و نهادی تعلق دارند؟

## پیشینه پژوهش

مهم‌ترین تحقیقاتی که در حوزه تحلیل فیلم و سریال‌های تلویزیونی انجام شده است را می‌توان به چند دسته تقسیم نمود. دسته اول تحقیقاتی هستند که به بازنمایی جنسیت در سینما و سریال‌های تلویزیونی پرداخته‌اند و سعی نموده‌اند نشان دهند که زنان و مردان در سریال‌های تلویزیونی به چه شکلی و در چه ژانرهایی بازنمایی شده‌اند. در این راستا می‌توان به تحقیقات بهمنی و سجودی (۱۳۹۴)، فانگ و اریک<sup>۱</sup> (۲۰۰۰)، جاستون<sup>۲</sup> (۲۰۱۰)، دیوت<sup>۳</sup> (۲۰۱۴) و خدیکار و همکاران (۲۰۲۲) اشاره کرد. نتیجه برآمده از این تحقیقات بیانگر آن است که تفکرات قالبی درباره جنسیت در میان مردم و برنامه‌های تلویزیونی به وضوح قابل مشاهده است و تلویزیون کلیشه‌های جنسیتی را منطقی و برخاسته از واقعیت جلوه می‌دهد و با نشان دادن این نقش‌های کلیشه‌ای این‌گونه تفکرات را بازتولید می‌کند. دسته دوم تحقیقاتی را شامل می‌شود که سنت و مدرنیته را مورد توجه قرار داده‌اند و به بازنمایی و بساخت سنت یا مدرنیته را در بطن متون فرهنگی پرداخته‌اند. در این راستا می‌توان به تحقیقات کوثری و عموری (۱۳۹۲)، صادقی فسایی و شریفی ساعی (۱۳۹۳) اشاره کرد. دسته سوم، تحقیقاتی را شامل می‌شود که به بازنمایی نهادهای اجتماعی از جمله خانواده پرداخته‌اند. در این راستا می‌توان به تحقیقات بشیر و اسکندری (۱۳۹۲)، کوثری و عسکری (۱۳۹۴) و محمدی و خالق‌پناه (۱۳۹۷) اشاره کرد. نتایج این دسته از تحقیقات حاکی از آن است که نهادهای اجتماعی دربرگیرنده تقابل‌های گفتمانی از جمله گفتمان‌های مذهبی و دنیاگرایی هستند. نگاهی صرفاً انتقادی نسبت به این دو مقوله را رد می‌کند و در نهایت ایده‌آل‌ترین شکل خانواده را همراهی عناصر سنت و مدرن در کنار یکدیگر معرفی می‌کند. دسته چهارم تحقیقاتی هستند که روابط بین نسلی، قومی و نژادی را مورد توجه قرار داده‌اند. در این راستا می‌توان به تحقیقات جعفرزاده‌پور و همکاران (۱۳۸۸)، ساعی (۱۳۸۹)، فرجی و همکاران (۱۳۹۲) و میجر<sup>۴</sup> (۲۰۰۱) اشاره کرد.

مرور پیشینه تجربی تحقیق حاکی از آن است که رسانه‌های جمعی همواره به مثابه ابزارهای گفتمانی در راستای بازنمایی و تثبیت معنا مورد استفاده قرار گرفته‌اند و بیشتر به موضوعاتی از قبیل نهادهای خانواده، جنسیت، هویت و قومیت پرداخته‌اند. مرور انتقادی این تحقیقات بیانگر آن است که به لحاظ موضوعی پدیده آفازدگی و به لحاظ زمینه و متن مورد بررسی نیز سریال آفازده تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است. وجه تمایز تحقیق حاضر با تحقیقات مذکور آن است که سعی دارد با بهره‌گیری از تحلیل گفتمان انتقادی به بازنمایی پدیده آفازدگی به مثابه یکی از مهم‌ترین پدیده‌های سیاسی-اقتصادی جامعه ایران در سریال آفازده بپردازد.

## چارچوب مفهومی: نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف

یکی از رویکردهای برجسته در تحلیل گفتمان انتقادی<sup>۵</sup>، رویکرد نورمن فرکلاف<sup>۶</sup> است که در مقایسه با دیگر تحلیل‌گران گفتمان انتقادی «منسجم‌ترین، جامع‌ترین و پرترفدارترین نظریه را تدوین کرده است» (سلطانی، ۱۳۸۴: ۶۰). فرکلاف معتقد است که گفتمان به بساختن هویت‌های اجتماعی، روابط اجتماعی و نظام‌های دانش و معنا کمک می‌کند. بدین ترتیب گفتمان سه کارکرد دارد: کارکرد هویتی، رابطه‌ای<sup>۷</sup> و فکری<sup>۸</sup> (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۱۹). بنابراین گفتمان‌ها به بازتولید قدرت کمک می‌کنند و بر این اساس، وی به دنبال آن است که دریابد چگونه روابط قدرت به بازتولید گفتمان‌هایی درباره جنسیت، نژاد و قوم می‌انجامد (یورگنسن و فیلیپس<sup>۹</sup>، ۱۳۸۹: ۱۱۵-۱۲۳). بدین ترتیب تأکید دارد که زبان صرفاً یک برساخت اجتماعی نیست،

1 Fang & Eric

2 Johnston

3 Dutt

4 Meijer

5 Critical Discourse Analysis

6 Fairclough

7 Relational Function

8 Ideational Function

9 Jorgensen & Philips

بلکه چون امری از نظر اجتماعی تعیین شده نیز دیده می‌شود. فرکلاف این رابطه بسیار پیچیده را با استفاده از مفهوم «نظم گفتمانی» تعریف می‌کند. نظم گفتمانی عبارت است از ترکیب‌بندی تمامی گونه‌های گفتمانی به کار گرفته شده در یک نهاد یا میدان اجتماعی (یورگسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۱۹)؛ بنابراین نظم گفتمانی یک قلمرو اجتماعی، بر تامت انواع گفتمان‌ها و روابط بین آن‌ها در این قلمرو دلالت دارد (محمدپور، ۱۳۹۲: ۱۴۸). می‌توان نظم گفتمانی را مفهومی دال بر وجود گفتمان‌های مختلفی دانست که تا حدودی قلمرو واحدی را تحت پوشش دارند، قلمرویی که هر کدام از گفتمان‌ها برای پرکردن آن با معانی مورد نظرش با دیگران رقابت می‌کند» (یورگسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۲۳۰). به همین دلیل فرکلاف معتقد است که یک نظم گفتمانی، نظامی با ثبات نیست، بلکه نظامی باز است و با تغییر شرایط تغییر می‌کند (ایمان، ۱۳۹۱: ۲۰۹).

از نظر فرکلاف زمانی که در یک تحقیق بر نظم گفتمانی واحد متمرکز می‌شویم، گفتمان‌های متفاوت و رقیب درون یک قلمرو واحد را می‌توان تحلیل کرد و می‌توان بررسی کرد کدام گفتمان حاکم است؟ و چه کشمکش‌هایی میان گفتمان‌های مختلف وجود دارد؟ بنابراین محقق که نظم گفتمانی را چارچوب تحلیلی خود قرار می‌دهد، برخورد میان گفتمان‌های موجود در آن نظم گفتمانی به کانون تحلیل وی بدل خواهد شد. این امر «یک مزیت محسوب می‌شود چون در این برخورد پیامدهای اجتماعی آشکارتر می‌شوند. هنگامی که در قلمرو واحدی دو یا چند گفتمان برداشت‌های متفاوتی از جهان ارائه می‌کنند، پرسشگر می‌تواند این سؤال را مطرح کند که اگر برداشتی به جای دیگری برگزیده شود، چه پیامدهایی به همراه خواهد داشت» (یورگسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۲۳۶). همچنین لازم به ذکر است در یک نظم گفتمانی عمل‌های گفتمانی مشخصی وجود دارند که متن و گفتگو را آن‌ها تولید و مصرف یا تفسیر می‌کنند. عمل گفتمانی فرایندی است که افراد را برای تولید و مصرف متون به کار می‌گیرند. فرکلاف معتقد است که در تحلیل گفتمانی علاوه بر نظم گفتمانی بایستی به رخداد ارتباطی نیز توجه نمود. رخداد ارتباطی نمونه‌ای از کاربرد زبان از قبیل مقاله روزنامه، فیلم سینمایی، ویدئو، مصاحبه یا سخنرانی سیاسی است. بنابراین هر کاربرد زبانی، یک رخدادی ارتباطی است. تحقیق از طریق تحلیل رخداد ارتباطی در رابطه با نظم گفتمانی انجام می‌گیرد. «هر رخداد ارتباطی به منزله گونه‌ای از عمل اجتماعی برای بازتولید یا به چالش کشیدن نظم گفتمانی عمل می‌کند» (یورگسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۱۹-۱۲۳). هر رخدادی ارتباطی از سه بُعد تشکیل می‌شود: متن (گفتار، نوشتار، تصویر بصری یا ترکیبی از این‌ها)، عمل گفتمانی که تولید و مصرف متن را در برمی‌گیرد و عمل اجتماعی.

هر تحلیل گفتمان رخدادهای ارتباطی باید هر سه این بُعد را پوشش دهد. بدین ترتیب چنین تحلیلی باید بر موارد زیر متمرکز شود: ۱. ویژگی‌های زبان متن (متن)؛ ۲. فرایندهای مرتبط به تولید و مصرف متن (عمل گفتمانی)؛ ۳. عمل اجتماعی که رخداد ارتباطی به آن تعلق دارد (عمل اجتماعی). تحلیل متن بر خصوصیات صوری (از قبیل کلمات، گرامر، نحو و انسجام جمله) متمرکز می‌شود؛ خصوصیتی که باعث شکل‌گیری زبانی گفتمان‌ها و ژانرها می‌شوند. رابطه متون با عمل اجتماعی با وساطت عمل گفتمانی برقرار می‌شود. بدین ترتیب از طریق عمل گفتمانی است که متون به وجود آمده و به وسیله عمل اجتماعی شکل پیدا می‌کنند. آن گفتمان‌ها و ژانرهایی که برای تولید متن در کنار یکدیگر مفصل‌بندی شده‌اند و دریافت کنندگان آن متن برای تفسیر آن از همین گفتمان‌ها و ژانرها کمک می‌گیرند، ساختار زبانی خاصی دارند که تولید و مصرف متن را شکل می‌دهند. بدین ترتیب تحلیل رخدادهای ارتباطی شامل موارد زیر است:

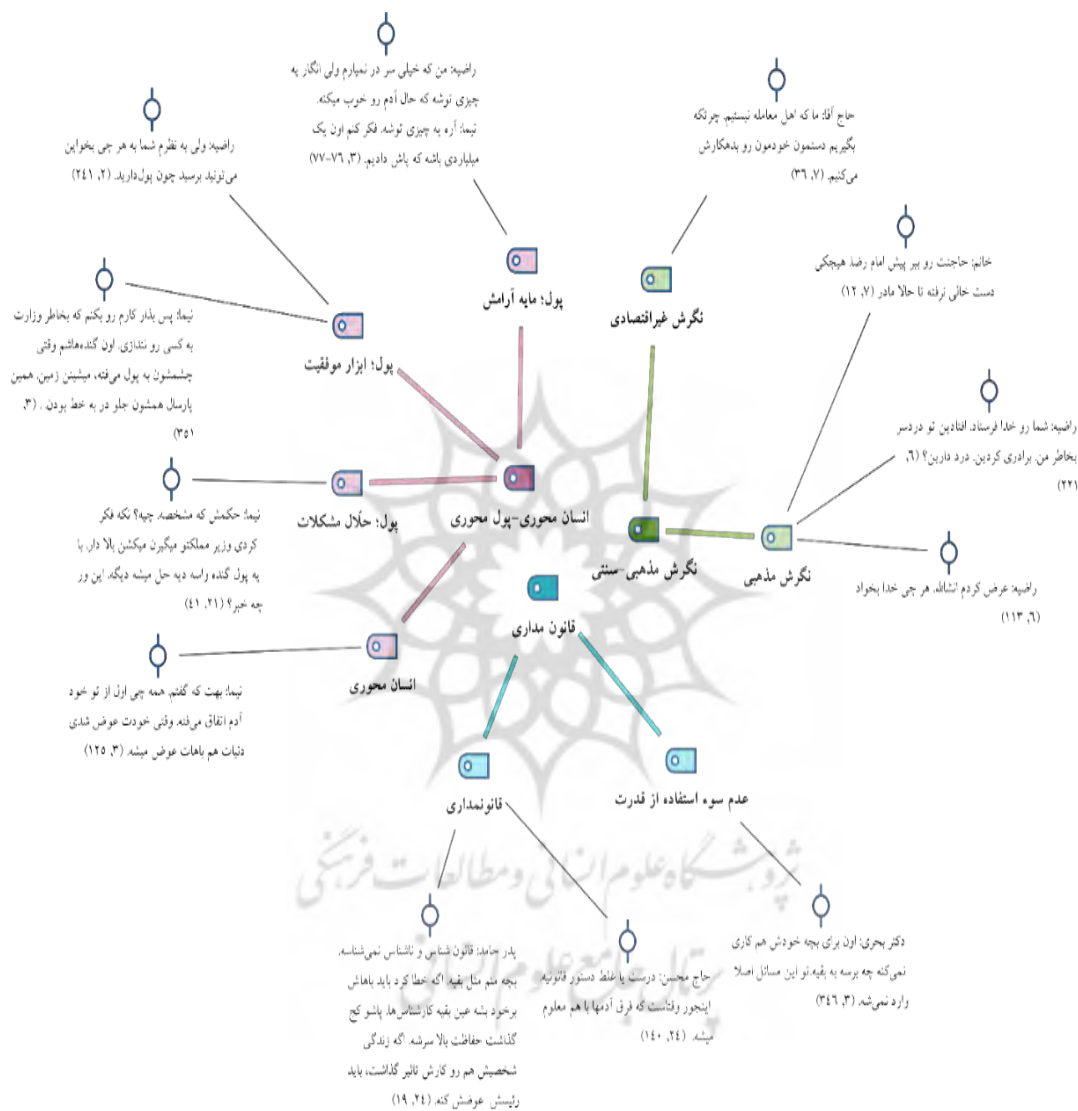
≠ تحلیل گفتمان‌ها و ژانرهایی که در تولید و مصرف متن مفصل‌بندی شده‌اند (سطح پرکتیس گفتمانی)؛

≠ تحلیل ساختار زبانی (سطح متن)

≠ ملاحظات مربوط به این که عمل گفتمانی، نظم گفتمانی موجود را بازتولید و یا به عکس ساختاربندی مجدد می‌کند و ملاحظات مربوط به پیامدهایی که این امر برای پرکتیس اجتماعی گسترده‌تر به همراه دارد (سطح عمل اجتماعی). (یورگسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۱۵-۱۲۳).



با توجه به حجم زیاد مفاهیم به دست آمده، در راستای تحلیل بار ارزشی کلمات، مفاهیم به دست آمده، مقوله‌بندی شدند. در مرحله مقوله‌بندی نیز بر اساس تکنیک مقایسه، مفاهیم بررسی شدند و مفاهیم مشترک در ذیل مقوله‌های معین قرار گرفتند. در ذیل به نمونه‌ای از نحوه مقوله‌بندی اشاره می‌شود:



شکل ۲: نحوه مفهوم‌بندی و مقوله‌بندی داده‌ها در نرم افزار مکس کیو دی ای

سپس براساس مقوله‌های به دست آمده، نوع گفتمان‌های موجود در سریال مشخص گردید. در مرحله تفسیر نیز محتویات متن مورد تفسیر قرار گرفت و بافت موقعیتی، نوع گفتمان و نظم گفتمانی تعیین گردید. در نهایت در مرحله تبیین شالوده اجتماعی و نظریات اجتماعی که در شکل‌گیری گفتمان‌های مذکور نقش داشتند، مشخص شدند و نشان داده شد که چگونه ساختارهای اجتماعی گفتمان را تعیین می‌بخشند؛ به عبارت دیگر، در این مرحله تأثیرات اجتماعی گفتمان و عوامل اجتماعی تعیین‌کننده گفتمان در دو سطح اجتماعی و نهادی مورد بررسی قرار گرفتند.



ردیف	ارزش تجربی	عبارت تأییدی
	تحقیر زنان	شهنام: ولی من نداریم. نه. الانم پاشو برو مهمونات منتظرن. پاشو دیگه. شهر بازی که نیست اینجا. بهرامی: دختره کیه؟ ماهی جدید؟
۵	سرمایه فرهنگی	پدر حامد: خب. این کار حسن آقای روح الامینه. همه کاراش تو همین فضاهاست. مذهبی، تاریخی. اونور دنیا هم همینه. کم نیستن کسانی که کار مذهبی می‌کنن. رام رانز. رفائل
	سرمایه اقتصادی	بهرامی: مرد حسابی سهام بانک مملکت خورده به نامت. با اسمش فقط هزار تا کار می‌تونی بکنی
۶	سرمایه نمادین	پدر حامد: خدا خیرت بده. نه میدونی این مشکلی که برای عروس ما پیش اومده ماجراش خیلی مفصله. اصلا کلا یه اشتباهه که .. احمد: چرا داری واسه من توضیح می‌دی؟ تو اگه چیزی بخوای نه من برای کل این محل مهم نیست چرا می‌خوای. همین که می‌خوای بسه.
	قدرت طلبی سیاسی	دکتر بحری: می‌دونی من صبح تا شب با کیا و چیا سرو کله می‌زنم، تا به حقم برسم. قرار بود همه چی زودتر از اینا درست بشه ولی خب نشد. چرا نشد؟ چون یه عده تازه سر از تخم درآوردن، می‌خوان یه شبه همه چی رو دست بگیرن. صاحب همه چیز بشن. من که نمی‌ذارم که. باید روز و شب تلاش بکنم .
۷	ارزشهای مذهبی	حاج رضا: لایه اینم تکلیف بنده‌ست. ها؟ نه حاج حسن اینطوری نیست. درسته من گرفتم تو این گوشه خلوت نشستم اما کر و کور که نشدم. این همه پیچ و خم تو این چهل سال خودمو یه جوری بار آوردم که حق و نا حق نکنم. پا رو اعتقاداتم نذارم.
	مادی‌گرایی-دنیاه‌گرایی	راضیه: خب می‌دونم ولی خب واسه چی باید اونجا می‌موندم؟ اصلا جای پیشرفت نداره. من می‌خوام بشم یکی مثل تو . معروف، پولدار. خوشبخت
۸	قانون مداری	پدر حامد: قانون شناس و ناشناس نمی‌شناسه. بچه منم مثل بقیه. اگه خطا کرد باید باهاش برخورد بشه عین بقیه کارشناس‌ها. پاشو کج گذاشت حفاظت بالا سرشه. اگه زندگی شخصیش هم رو کارش تاثیر گذاشت، باید رئیسش عوضش کنه. تو اون اداره صد تا کارشناس هست چه بسا بهتر از حامد
	رقابت سیاسی هنجارشکن و فساد و قانون‌گریزی	ارژنگ: صبر داشته باش. آدم دزدی هم بخواد بکنه باید شریک خوب داشته باشه. نیما: بستگی داره دزدی چی باشه. خب؟ نقدی حداقلی معامله سهام بانک رو خریدم. البته هر کدام از شرکت‌ها ۵ درصد. سهام هنوز منتقل نشده تقاضای سود علی الحسابش رو کرده. با سود سهام بانک رفته سر معامله ذوب آهن و الی آخر. روزی هم که قرار تامین میلگردش بوده یه چند تن آهن قراضه داده بهشون اونام رفتن شکایت کردن حاج حسن: پایین کشیدن اون زیاد سخت نیست. ولی جا انداختن تو هم زیاد کار آسونی نیست
۹	عدالت محوری	هم‌بندی: شوهرم یه عمر واسه گمرک این مملکت کار کرده بود. دو هزار پول اومد تو حسابمون شوهرت مثل بختک افتاد تو زندگی ما. آقا رگ عدالت طلبیش ورم کرده بود. حامد: زلم افتاده زندون خیالی نیست. میتونید آقام هم بفرستید زندون بازم خیالی نیست. ولی من وایستادم. وایستادم سر چارراه تند بری جریمه میشی، لایه بکشی نگهت میدارم.
	منفعت محوری	دکتر بحری: حالا بگیریم وزارتخونه با شرکتی که تو میگی اومد قرارداد بست. چیش به ما می‌ماسه. با این جور قراردادهای خیلی نمیشه بازی کرد.
	رفتار پسندیده	حامد: اصلا من خودم ضمانت می‌کنم. نتونست بده من بهت میدم.
۱۰	رفتار ناپسند	نیما: بشین یه دقه. بشین. پاکش کن. بگیر. تو خیال کردی من هر روز یه دختری رو پیدا می‌کنم می‌فرستم تو زندگی فالانی و فالانی؟ ۴ ماه، ۴ ماه اگه تحمل کنی همه این روزها تموم میشه. دیگه اون موقع نه از الکس خبری هست نه از این یقیوزه زنده دل. میشی خانم خودت. ببین، تو اگه اینجایی فقط بخاطر اینه که این کار از دست تو بر میاد.
۱۱	عادات و رفتار مذهبی-سنتی	پدر حامد: من دعا میکنم دعا میکنم
	عادات و رفتار اقتصادمحور	دانشور: سلام. به به..... سلام علیکم. حال شما چطوره؟ خوب هستین؟ فکر کردم نیستین! یه حراج هم از دست نمی‌دی! خانم: حاجت رو ببر پیش امام رضا. هیچکی دست خالی نرفته تا حالا مادر
	نگرش مذهبی-سنتی	
۱۲	نگرش اقتصادی-مکابولیبستی	نیما: معامله؟ نمی‌فهمم وقتی نوبت شما و بچه‌ها اسم سفره انقلابه به ما که برسه میشه معامله؟ نه حاجی این اسمش سهممه. من سهممو می‌خوام بردارم نیما: خوبه. خیلی خوبه. ولی به شرط اینکه یادت نره این دنیا همه چیزش بده و بستونه. بده، بستون. قانون دنیا یک چیزیه. یعنی یه چیزی میدی یه چیز گیرت میاد. تو هم اگر دنبال آرزوهائی فقط برو جلو. باید بجنگی.

## مرحله تفسیر

بررسی ارزش‌های بیانی و تجربی دیالوگ‌های متن بیانگر وجود دو گفتمان متفاوت در این رخداد ارتباطی (سریال تلویزیونی) است. ارزش بیانی و تجربی مقوله‌های رقابت سیاسی هنجارشکن، اسامی باستانی، فساد و قانون‌گریزی، قدرت طلبی سیاسی، سرمایه اقتصادی، بی‌اعتنایی به خانواده، تحقیر زنان، منفعت‌محوری، مادی‌گرایی-دنیاگرایی، عادات و رفتار اقتصادمحور، انسان‌محوری-پول‌محوری، رفتار ناپسند و نگرش اقتصادی-ماکیاولیستی بیانگر گفتمان اقتصادمحور هستند.

گفتمان دنیاگرایی اقتصادمحور گفتمانی است که محور مرکزی آن را پول و ارزش‌های مادی تشکیل می‌دهد. در این گفتمان همه اعضای جامعه برای دستیابی به پول تلاش می‌کنند و همه چیز را با آن می‌سنجند و معیار و ملاک رفتار مردم پول و ارزش‌های مادی است. اعضای این گفتمان برای رسیدن به اهداف خود از پول و قدرت پول استفاده می‌کنند، به طوری که پول به اندازه خدا دارای قدرت است و جایگزین خدا شده است. همچنین آنها برای دستیابی به اهداف خود از هر نوع ابزار و وسیله‌ای بهره می‌گیرند حتی ابزار و وسایل نامشروع. علاوه بر موارد مذکور آنچه در این گفتمان حائز اهمیت است، اصل لذت است؛ لذات دنیوی و جسمانی. مهم‌ترین قاعده‌ای که در این گفتمان وجود دارد، اصل بده-بستان است. در واقع کنش‌های انسانی یک معامله اقتصادی و مبتنی بر روابط اقتصادی هستند و سود و زیان کارها در نظر گرفته می‌شود. در این گفتمان بعد از ثروت و سرمایه اقتصادی آنچه حائز اهمیت است و ارزشمند تلقی می‌شود قدرت است.



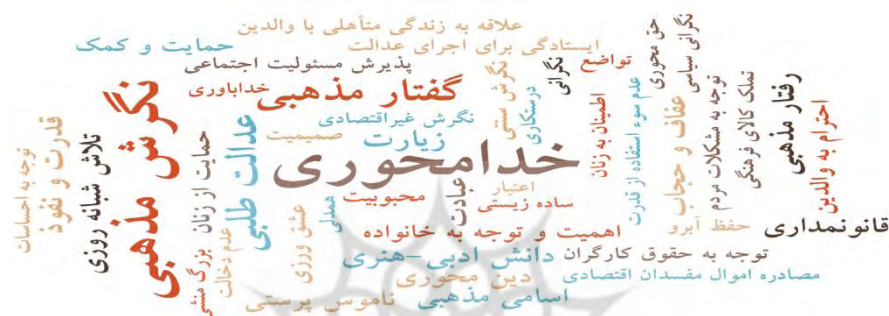
شکل ۴: مفاهیم گفتمان دنیاگرایی اقتصادمحور

در این گفتمان زنان به مثابه ابزار و سرمایه در نظر گرفته می‌شوند و در واقع ابزاری هستند برای رسیدن به اهداف مادی و اقتصادی دنیوی. در این گفتمان زیاد به خانواده اهمیت داده نمی‌شود و خانواده فضایی سرد، بی‌روح و عاری از احترام و صمیمیت است، حتی رابطه اعضای خانواده با یکدیگر، رابطه اقتصادی و غیردوستانه است. نمایندگان برجسته این گفتمان در این رخداد ارتباطی، نیما بحری، دکتر امیر بحری و حاج حسن هستند.

دکتر بحری خطاب به حاج حسن: خواهشاً شما فقط حواستون به من باشه. ایشالله اگر سعادت‌ی بود به وقت وزارت مرحمت شما جبران میشه. از صدقه سری شماسه هر چی که ما داریم آقا. حالا هم بزرگی کنید تا وقتی تکلیف وزارت معلوم میشه بنده نوازی کنید هوای ما رو داشته باشین.

ارزش بیانی و تجربی مقوله‌های خدامحوری، اسامی مذهبی، خانواده دوستی، تکریم زنان، سرمایه فرهنگی، سرمایه نمادین، ارزشهای مذهبی، قانون‌مداری، عدالت‌محوری، رفتار پسندیده، عادات و رفتار مذهبی-سنتی، و نگرش مذهبی-سنتی بیانگر آن هستند که گفتمان دومی که در این رخداد ارتباطی نمود دارد، گفتمان دینی عدالت‌محور است.

گفتمان دینی عدالت‌محور گفتمانی است که محور مرکزی آن را مذهب، خدا و ارزش‌های معنوی تشکیل می‌دهند و رفتار و اعمال تمام اعضای جامعه بر اساس احکام دینی و الهی است. معیار و محور تمام رفتارهای انسان‌ها قوانین الهی و دینی است. آنچه در این گفتمان بسیار مهم است و ارزشمند تلقی می‌شود، برقراری عدالت است. قانون‌مداری نیز از دیگر مؤلفه‌های ارزشمند این گفتمان تلقی می‌شود که تحت هر شرایطی باید رعایت شود و نباید از آن سرپیچی شود. براساس این گفتمان خودمداری نهی شده و تعاون و همکاری و تقدیرگرایی مورد تأکید قرار گرفته است. در این گفتمان پول و سایر ارزش‌های مادی دارای ارزش ثانوی است و اعضای جامعه تلاش چندانی برای دستیابی به آن نمی‌کنند و بیشتر درصدد دستیابی به سعادت اخروی هستند.



شکل ۵: مفاهیم گفتمان دینی عدالت‌محور

خانواده در این گفتمان بسیار مهم و حائز اهمیت است. صمیمیت و احترام و رابطه دوستانه و دلسوزانه اعضای خانواده امری است که این گفتمان بر آن تأکید دارد. زن نیز در این گفتمان جایگاه بسیار بالایی دارد؛ به طوری که همواره مورد احترام و مورد حمایت قرار می‌گیرد و ارزش و احترامی برابر با مرد دارد. این گفتمان بر خلاف گفتمان اقتصادمحور که بر سرمایه اقتصادی و کسب قدرت تأکید دارد بر سرمایه فرهنگی و نمادین تأکید دارد. نمایندگان برجسته این گفتمان در این رخداد ارتباطی حاج رضا، حامد و حاج محسن هستند.

حاج رضا: منم وایمیستم. نه بخاطر تو بخاطر ناموس. بخاطر اینکه بی آبروش کردن. به حق قسم که بد تجربه‌ای همیشه باشون. حرف پسر و پدری نیست. ... حرف اعتقاد. اگه نطفه همچین چیزی رو همینجا خفه نکنیم معلوم نیست به چه کثافتی میره.

نظم گفتمانی: سریال «آقازاده» بیانگر آن است رابطه‌ای که بین دو گفتمان دینی عدالت‌محور و گفتمان دنیاگرایی اقتصادمحور وجود دارد، یک رابطه تقابلی است. به عبارت دیگر، این مجموعه سریال بیانگر تقابل دو گروه با دو گفتمان متفاوت است؛ یک گروه با گفتمان دینی عدالت‌محور (با نمایندگی حامد) و گروه دیگر با گفتمان دنیاگرایی اقتصادمحور (با نمایندگی نیما). هر کدام از این گروه‌ها با توجه به گفتمان خود در راستای دستیابی به اهداف و ارزش‌ها و آرمان‌های خود تلاش می‌کنند و همین امر موجب شده که به رقابت با هم پرداخته و در مقابل هم قرار گیرند، اما نکته حائز اهمیت آن است که این تقابل گفتمانی بر سر چه مسأله‌ای است؟ و در چه شکل و قالبی به نمایش درآمده است؟ تحلیل یافته‌ها بیانگر آن است که آن چه در این مجموعه سریال منجر به تقابل این دو گفتمان شده، عدالت است. محور عدالت به مثابه تقابل گفتمانی در دیالوگ‌های زیر به تصویر کشیده شده است:

حامد خطاب به دکتر بحری: آره به ما که رسید شد که بازی. زخم افتاده زندون خیالی نیست. میتونید آقام هم بفرستید زندون بازم خیالی نیست. ولی من وایستادم. وایستادم سر چارراه تند بری جریمه میشی، لایی بکشی نگهت میدارم. حالا میخواد با پراید باش یا ماشین شاسی بلند وزارت. (قسمت ۱۵).

در این راستا گفتمان‌های اجتماعی برای تحقق‌بخشی به اهداف خود و غلبه بر دیگری به رقابت و تقابل با یکدیگر می‌پردازند. مهم‌ترین این تقابل‌ها عبارت‌اند از:

### تقابل اول: عدالت‌خواهی/عدالت‌ستیزی

این تقابل را اولین و مهمترین تقابل حامد و نیما است که در چند مرحله نمود یافته است: مرحله اول؛ زمین‌خواری: این مرحله از تقابل زمانی رخ داد که حامد به عنوان مأمور امنیتی-اقتصادی متوجه غیرقانونی بودن معاملات نیما بحری می‌شود. به همین دلیل به بررسی پرونده‌های فسادهای مالی نیما می‌پردازد و عزم خود را برای افشای غیرقانونی بودن فعالیت‌های نیما بحری و شرکت‌های او، جزم می‌نماید. نیما بعد از مطلع شدن از فعالیت‌های حامد، سعی می‌کند که او را از این کار منصرف کند که کاری به کار او نداشته باشد، اما موفق نمی‌شود. در این اثنا حامد با پیگیری و تلاش شبانه-روزی اطلاعات بهتر و دقیق‌تری از نیما به دست می‌آورد و پرونده فساد مالی او را افشا می‌کند و با دستور قضایی، او را به زندان می‌اندازد. اما که دکتر بحری به کمک حاج حسن، پرونده نیما را از بازپرسی که دوست حامد بوده، پس می‌گیرد و به یکی از بازپرس‌هایی که به آنها خدمت می‌کند و رشوه‌گیر نیز هست، واگذار می‌کنند و بعد از مدتی او را با قید وثیقه آزاد می‌کند. اعتراض و تلاش حامد هم در این زمینه فایده‌ای ندارد. آزادی نیما بحری و ناکامی حامد بیانگر پیروزی موقت گفتمان دنیاگرایی اقتصادی بر گفتمان دینی عدالت‌محور است.

حامد: گنده‌تر از تو هم نمی‌تونه قصر در بره. حالا برو جولون بده.

نیما: گنده‌تر از من قصر در رفته. تو خبر نداری. منم اگه ریگی به کفشم بود نمی‌موندم، می‌رفتم. ولی این مملکت رو شما نمی‌ذارید درست شه، نمی‌ذارید پوست بدازه.

مرحله دوم؛ فساد بانکی: این مرحله از تقابل زمانی آغاز شد که نیما بحری توانسته بود که به کمک فردی بنام «رُکنی» مقدار زیادی از سهام بانکی یکی از بانک‌های کشور را با پرداخت نقدی ناچیزی بخرد. او بعد از خرید سهام، بدون آن که مبلغ نقدی تعیین شده را بپردازد، سود بانکی خود را از بانک دریافت نمود و از طریق آن در مناقصه فولاد شرکت کرد و برنده شد، اما به وظایف و تعهدات خود در مناقصه فولاد عمل نکرد و همین امر سبب شکایت از وی و باز شدن پای حامد به پرونده نیما شد که حامد توانست با پیگیری شبانه‌روزی نیما را محکوم و به زندان ببنداند.

رُکنی: سو تفاهم؟ مرد حسابی طرف داره حکم توقیف معامله سهام بانکو میگیره. بهش میگی سو تفاهم. اصلا حواست به کار نیست. از پول فقط خرج کردنشو دوست داری. واسه درآوردنش خیلی نمی‌خوای به خودت زحمت بدی.

مرحله سوم؛ رویارویی در زندان و بازگشت به خویشتن: این مرحله از تقابل زمانی آغاز شد که حامد به اتهام قتل الکس (یکی از دوستان نیما) دستگیر و در بندی که نیما زندانی بود، زندانی می‌شود. رویارویی آنها در زندان موجب درگیری می‌شود. بعد از مدتی نیما در زندان متوجه می‌شود که حاج حسن دست از حمایت و برداشته است و پرونده‌اش روز به روز سنگین‌تر می‌شود، به حامد نزدیک می‌شود و تحت تأثیر توصیه‌ها و گفته‌های مذهبی و انقلابی حاج رضا و خطاب شدن به نام واقعیش (ابوذر) تصمیم می‌گیرد که با همکاری با حامد، خود را از مهلکه پیش روی نجات دهد. او با همکاری با حامد به بعضی از چیزها و نقش بسیاری از دولتمردان به طور ضمنی اشاره می‌کند.

نیما: اگه دست خودم بود که این تو نبودم تو هم اینجا نبودی. حامد دنبال ماهی گنده باش.

گفتگوی نیما با پدر شهیدش در لحظات آخر زندگیش بیانگر بازگشت او به اصالت و نهاد پاک و در نهایت بازگشت به گفتمان دینی عدالت‌محور است.

نیما: آسید مرتضی سلام. من اومدم بگم دیگه نیما بحری نیستم. ابوزرم. تو رو خدا یادت بره اون دفعه رو. اومدم بگم اگه دفعه قبل تندی کردم غلط کردم. اینی که الان اینجا نشسته ابوزره. به ارواح خاک مادرم روم نمیشد بیام. نتونستم از این بغضی که گلومو گرفته خودمو خلاص کنم. آقا جون حاج رضا خیلی مردونگی کرد. من بد کردم. خیلی بد کردم. نه به حامد نه به حاج رضا. من به شما بد کردم. به عزتت، به احترامت، به شرفی که تو خونت بود بد کردم. خیالت راحت دیگه هیچی ندارم. هیچ. صفر.

### تقابل دوم: عشق ابرازی/عشق ناب

این تقابل زمانی آغاز شد که نیما برای آن که حامد را از پیگیری پرونده‌های فساد خودش بازدارد، مأموریت جدیدی به مانلی (نام دوم راضیه) واگذار کرد تا به کمک او بتواند پرونده‌ی اخلاقی برای حامد درست کند. مانلی با نقل مکان به محل زندگی نیما و حضور همیشگی در مسجد توانست خود را در معرض نگاه حامد و مادر وی قرار دهد و حامد را عاشق خود نماید. بعد از خواستگاری حامد از مانلی که خود را به نام راضیه معرفی کرده بود، به تدریج عشق دو طرفه بین آن دو شکل می‌گیرد و مانلی نیز عاشق شخصیت، معصومیت و اخلاق حامد می‌شود. عشق راضیه به حامد ضمن آن که موجب ندامت و پشیمانی وی می‌شود موجب بازاندیشی او درباره نقشه نیما می‌شود و سعی می‌کند که به نحوی پای خود را از این ماجرا بیرون کشد که موفق نمی‌شود. در نهایت در جدالی که با وجدان خود داشت، عشق به حامد، راضیه را مجاب می‌کند که حقیقت را با حامد در میان بگذارد. راضیه: تو تنها امیدمی حامد. حتی اگه هزار سال هم بگذره، بازم من عاشقت میمونم.

### تقابل سوم: زن محوری/زن ستیزی

این تقابل حاکی از نگرش و عملکرد متفاوت گروه‌های مختلف نسبت به زن در این رخداد ارتباطی دارد. این تقابل زمانی آغاز شد که زن مورد مجادله و نزاع گفتمان‌های مختلف قرار گرفت. این تقابل دارای دو بُعد است که در ذیل به آن اشاره می‌شود: بُعد اول؛ آزادی در برابر اسارت: این مرحله از تقابل زمانی آغاز شد که نیما و سایر مردانی که در اطراف نیما هستند برای زنان از جمله راضیه ارزشی به مثابه یک انسان آزاد قائل نیستند و اختیار و آزادی را از آن‌ها سلب می‌نمایند و آنها را همانند یک پرنده در قفس زندانی می‌کنند. در این راستا می‌توان به خانه‌نشین کردن اجباری مانلی برای یک مدت طولانی و رفتار تحقیرآمیز شهنام نسبت به زنان اشاره کرد. در مقابل، رفتار حاج رضا با همسرش قرار دارد که رفتاری است توأم با مهربانی، گفتگو و آزادی. یا می‌توان به حامد اشاره کرد که به راضیه به عنوان یک شریک زندگی و به مثابه موجودی آزاد نگاه می‌کرد که حق انتخاب دارد و در امور مهم با او مشورت می‌کرد. اوج این مرحله از تقابل زمانی رخ داد که نیما چک‌های میلیاردی که قبلاً از مانلی گرفته را به اجرا گذاشت تا از این طریق بتواند از یک سو، راضیه را تحت فشار قرار دهد و از سوی دیگر، حامد را از پیگیری پرونده فساد مالی منصرف نماید. اما حامد و پدرش برای آزادی راضیه تلاش بسیار زیادی می‌کنند و در کمترین زمان، مبلغ چک را به کمک دوستان، آشنایان و همکاران تهیه می‌کنند، اما نیما، هر روز چک‌های بیشتری به اجرا می‌گذارد و از این طریق مانع آزادی راضیه می‌شود.

نیما: بقیه چک‌های دختره رو بذار اجرا. این دفعه اینقدر بذار که نتونن درش بیارن  
حامد: عادت نکن. نمی‌ذارم بمونی. هر چقدر وثیقه باشه جور میکنم هر چقدر. یکی دو روز تحمل کن همه چیز خوب میشه.  
باشه؟ دوست دارم.

بُعد دوم؛ حفظ حیثیت زنان/ بازی با حیثیت زنان: این تقابل حاکی از آن است که مردان در گفتمان‌های مختلف، نگرش و عملکرد متفاوتی نسبت به حیثیت زنان دارد. نیما و اطرافیان‌ش که نمایندگان گفتمان دنیاگرایی اقتصادمحور هستند برای کرامت و حیثیت زنان نه تنها ارزش و احترامی قائل نیستند و همواره آنها را تحقیر می‌نمایند، بلکه به مثابه یک ابزار شغلی یا جنسی به آنها نگاه می‌کنند و حتی به بدترین شکل به آنها توهین می‌کنند. در مقابل حاج رضا و حامد که نمایندگان گفتمان دینی عدالت-

محور هستند به زن به مثابه موجودی با کرامت نگاه می‌کنند که دارای شأن و کرامت هستند و این شأن و کرامت همواره باید حفظ شود و به همین دلیل با نهایت احترام با آنها برخورد می‌کنند. اوج این تقابل زمانی آغاز بود که نیما برای تحت فشار گذاشتن حامد و منصرف نمودن او از پیگیری پرونده فساد اقتصادی تصمیم می‌گیرد فیلم و عکس‌های راضیه را از طریق رسانه‌های خارجی منتشر کند و آبروی چندین ساله خانواده حاج رضا و حامد را زیر سؤال ببرد. حاج رضا، بعد از افشای فیلم و عکس‌های راضیه و زیر سؤال رفتن آبروی و حیثیت خانواده، تصمیم می‌گیرد ضمن مدیریت خانواده و همدلی با حامد و به خاطر دفاع از ناموس مردم (راضیه) به کمک دوستان و نفوذی که در قوه قضاییه دارد این موضوع را خود شخصاً پیگیری و حل نماید. حامد نیز تصمیم می‌گیرد علی‌رغم این که آبروی خود و خانواده‌اش به باد رفته است، در این شرایط از راضیه حمایت کند و از آبروی و حیثیت او دفاع نماید.

نیما: ببین من آدم نامردی نیستم، حرمت خانواده حاج رضا هم خیلی واسم مهم اما به قیمتش. همه اینا اینجا چال میشه اگه بلد باشی دو تا چهارتا کنی. اگه زندگیتو ول کنی آبروت رو میبرم میذارم تو صندوق ولی اگه به قول خودت بخوای تا تش بری، ببین من یه کبریت میکشم زیر خودت و خونوادت. هفت نسلتون بیاید و برید نتونید سر بلند کنید. آه. حالا خود دانی. فکراتو بکن. هم شمارمو داری هم آدرسمو.

### تقابل چهارم: خیانت/وفاداری

نیما برای غلبه بر حامد، سعی می‌نماید که به طرق مختلف از جمله زور و رشوه اطرافیان خود را مجاب نماید که دستورات و خواسته‌های او را اجرا نمایند. در این راستا می‌توان به رشوه به بازپرس، رشوه به حاج حسن، معامله با دکتر بحری، اجیر کردن شهنام، تطمیع نمودن مانلی و تحت فشار گذاشتن تینا را اشاره کرد. مهمترین ابزاری که نیما در این تقابل از آن بهره می‌گیرد پول و زور است. اما دوستان و اطرافیان حامد به ویژه حاج رضا، امیر حسین، علیرضا کیانی و حاج محسن بدون هیچ گونه چشمداشتی به طرق مختلف مانند کمک مالی و مشاوره به او کمک می‌نمایند. نکته حائز اهمیت پایداری و وفاداری این افراد است. در این راستا می‌توان به کمک امیر حسین اشاره کرد که هنگامی که حامد برای آزادی راضیه به پول احتیاج داشت، بدون آن که حامد از وی درخواست نماید، به حساب حامد پول واریز کرد. اما دوستان و اطرافیان نیما بعد از این که متوجه شدند که نیما دیگر قدرت زیادی ندارد و پدرش نیز زندانی شده است، همه پشت او را خالی کرده و به او خیانت کردند؛ به طوری که شهنام (معاون نیما) و بهرامی (وکیل نیما) به گروه حاج حسن پیوستند، تینا اطلاعات مالی نیما و دکتر بحری را به حامد تحویل داد، حاج حسن نیز از حمایت کردن نیما دست برداشت و حتی پرونده او را سنگین نمود تا حجم اعدام او زودتر و راحت‌تر صادر شود و شهنام نیما را به قتل رساند. این تقابل بیانگر وفاداری در گفتمان دینی عدالت‌محور و خیانت در گفتمان دنیاگرایی اقتصادمحور است. پیروزی وفاداری بر خیانت در این رخداد ارتباطی بیانگر پیروزی دیگری است که از آن گفتمان دینی عدالت‌محور شده است.

حاج حسن: از اون پسره چه خبر؟ نیما بحری؟

شهنام (زیردست نیما): نیما بحری؟ همچین کسی دیگه وجود نداره. (قسمت ۲۹).

### تقابل پنجم: تربیت فرزندان

تقابل نهایی بین گفتمان‌ها در این مجموعه سریال در دو بُعد نمایان است: فساد اخلاقی/سلامت اخلاقی فرزندان و پایداری نسلی/جهش نسلی.

بُعد اول: فساد اخلاقی/سلامت اخلاقی فرزندان: این تقابل نتیجه به نتیجه شیوه تربیت گفتمان دینی عدالت‌محور (به نمایندگی حاج رضا) و گفتمان دنیاگرایی اقتصادمحور (به نمایندگی امیر بحری) مشخص شده مربوط است. این نتیجه در

رفتار فرزند امیر بحری و حاج رضا نمایان است. به طوری که نیما که فرزندخوانده امیر بحری است و به شیوه وی تربیت شده است، چیزی به جز پول و ثروت نمی‌شناسد و برای نیل به آن اقدام به هر کاری می‌کند حتی ظلم و ستم و زیرپا گذاشتن حقوق دیگران، استفاده ایزاری از زنان، بازی با آبروی مردم و قتل. به عبارتی او برای دستیابی به اهداف خود نگرش ماکیاولیستی اخذ نموده و از انجام دادن اعمال وقیحانه ابایی ندارد.

نیما: بین دکتور من بیزنسمنم تو مدیر دولتی. امروزیا چی میگن تکنوکرات. بذار هر کدوم راه خودمونو بریم سودمونو ببریم (قسمت ۱۳).

این درحالیست که حامد فرزند حاج رضا همانند پدرش فردی است مؤمن، ساده‌زیست، قانع، با اراده و پشتکار، صادق و درستکار که سعی می‌کند نه تنها حقوق دیگران را رعایت کند بلکه به دیگران نیز کمک نماید. او همچنین فردی عدالتخواه است که همه زندگی‌اش را صرف برقراری و اجرای عدالت نموده و حاضر است که خانواده و حتی جانش را فدای عدالت کند: حامد: من اگه می‌خواستم موضوع این پرونده رو شخصی کنم و انتقام بگیرم خیلی قبل‌تر از اینا، قبل از اینکه آبروی خودم و پدر مو و خونوادمو ببرن می‌تونستم کاری که می‌خوام رو بکنم. ولی همه انگیزم این بوده پرونده رو به جایی برسونم که قانون و عدالت واسشون تصمیم بگیرن. (قسمت ۲۷).

بُعد دوم: پایداری نسلی / جهش نسلی: تقابل نهایی (تربیتی) در بُعد پایداری / جهش نسلی نیز نمایان است. در گفتمان دنیاگرایی اقتصادمحور به دلیل محوری بودن پول و ارزش‌های پولی، جهش نسلی پدید می‌آید. به عبارت دیگر، پول و ویژگی‌های خاص آن موجب می‌شود نسلی که در گفتمان دنیاگرایی پرورش می‌یابند، در راستای دستیابی با اهداف گفتمانی خود بسیار افراطی‌تر از نسل گذشته عمل نمایند. به طوری که در راستای دستیابی به پول و ارزش‌های مادی همه ارزش‌های دیگر را زیر پا بگذارند و یک دنیاگرایی خالص شوند. خلوص دنیایی نسل جدید به گونه‌ای است که در راستای دستیابی به اهداف گفتمانی خود نسل قدیم این گفتمان و بستگان خود را نیز فدا می‌کنند.

دکتور بحری (خطاب به نیما): بین این کار تو با همه کارهایی که تا الان کردی فرق میکنه. عین بمب ساعتیه. اینم تو این وضعیت که همه جا روی رانت و زدو بند گیرن. هر روز دارن یه پرونده فساد باز میکنن. پرونده خودت هم هنوز بازه. چی میگی تو؟ من نمی‌فهمم واقعا الان لازمه الان همچین قدمی ورداری؟ (قسمت ۱۳).

در حالی که در گفتمان دینی عدالت‌محور، نسل جدید نسبت به ارزش‌های نسل قدیم پایدار و وفادار هستند، به طوری که حاضرند جان خود را فدای ارزش‌های مانند عدالت و آزادی و دفاع از حقوق مردم کنند همانند پدران‌شان که در جبهه‌های جنگ برای دفاع از میهن اسلامی و دفاع از حقوق این کشور جنگیدند و جانشان را فدای این سرزمین کردند.

حاج محسن: این که میترسی نشونه ایمانته. اینکه رگ گردنت میزنه بیرون واسه غیرتته. اینا همش خوبه. یعنی اگه نباشه یه جای کار می‌لنگه. ولی تهش می‌دونی چی مهمه. اینکه این مردم بدونن ما هستیم. هنوز وایستادیم. اصلا هم مهم نیست که بدونن واسه گرفتن حقشون کشته میدیم آبرو میدیم حیثیت میدیم. یکیش خود تو (قسمت ۲۱).

### تقابل ششم؛ نزاع در میدان قدرت

این تقابل از همان ابتدای انقلاب آغاز شد و بعد از جنگ نیز بسیاری از افرادی که در قدرت بودند تغییر رویه دادند. همین امر موجب شد که نوعی گسست و شکاف گفتمانی در میدان قدرت شکل گیرد که می‌توان از آن تحت عنوان نزاع گفتمان دینی عدالت‌محور و گفتمان دنیاگرایی اقتصادمحور یاد کرد. نقطه اوج زمانی آغاز شد که حاج رضا و حامد و به کمک نیما، مدارک و مستندات لازم را علیه حاج حسن گردآوری می‌نمایند و حاج حسن را محکوم و بازداشت می‌کنند. بازداشت حاج حسن بیانگر پیروزی گفتمان دینی عدالت‌محور بر گفتمان دنیاگرایی اقتصادمحور است.

## مرحله تبیین

محور اصلی سریال «آقازاده» تقابل گفتمانی بر سر موضوع عدالت‌خواهی و عدالت‌ستیزی و فساد برخی از آقازاده‌ها است. مسئله برقراری عدالت و عدالت‌ستیزی آقازاده‌ها که در این مجموعه سریال به‌تصویر کشیده شده، فقط مسئله اصلی یک مجموعه سریال نیست، بلکه یکی از چالش‌های اصلی جامعه امروز به شمار می‌آید که ریشه در گذشته دارد. در این راستا لازم به ذکر است که با پیروزی انقلاب اسلامی حرکتی احیای‌گرانه و در جهت تحقق جامعه‌ای مطابق با ارزش‌های اسلامی و در راستای خواست عدالت‌خواهی ایرانیان، نظریه‌های جدید و نیز گفتمان نوینی با عنوان گفتمان انقلاب اسلامی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مطرح شد که بر مبنای آن نگاه به موضوع عدالت به مثابه یکی از مهمترین دستاوردهای انقلاب اسلامی در رأس برنامه‌های نظام اسلامی قرار گرفت. از آن پس گفتمان عدالت به عنوان جوهر و درونمایه گفتمان انقلاب اسلامی قلمداد گردید که علاوه بر تجلی در بیانات امام خمینی(ره)، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز آشکارا متجلی شده و به یکی از محورهای اصلی در تمام مفاد، مواد و بندهای آن تبدیل شده است. گفتمان عدالت در مراحل گوناگون رشد و توسعه نظام جمهوری اسلامی ایران ظهور و بروز ویژه داشته است (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۹۰: ۳).

از سوی دیگر، در اوایل انقلاب و در دوران جنگ، به دلیل بی‌نظمی و آشفتگی، گروهی که تحت تأثیر فرایندهای سرمایه‌داری مدرن و گفتمان دنیاگرایانه بودند، از فرصت استفاده کردند و مسئولیت‌های سیاسی را برعهده گرفتند. این افراد در سال‌های بعد از جنگ با ظاهرنمایی و ریاکاری توانستند خود را به بدنه انقلاب بچسبانند و در میدان قدرت موقعیتی برای خود پیدا کنند و این موقعیت را با ریاکاری و ظاهرنمایی حفظ نمایند. بنابراین در اوایل انقلاب تقابل گفتمانی بین دو گفتمان دنیاگرایی اقتصادمحور و گفتمان دینی عدالت‌محور شکل گرفت که این گفتمان‌ها نیز بخشی از منازعه میان مذهب‌یون عدالت‌محور (سنت‌گرایان) و دنیاگرایان اقتصادمحور (مدرنیست‌ها) می‌باشد. مذهب‌یون عدالت‌محور بر این باورند که انقلاب، دستاوردهای آن و همه سرمایه‌های این کشور به همه اعضای آن تعلق دارد و هر فردی باید بر اساس قانون و به تناسب شایستگی و تلاشش از آن بهره‌مند باشد، و این بهره‌مندی نباید دربرگیرنده شکاف طبقاتی گسترده در جامعه باشد و زمینه‌های ثروت‌اندوزی فراهم آید. اما انقلابیون دنیاگرا که تحت تأثیر تحولات سرمایه‌داری مدرن هستند، نگرش دیگری به انقلاب دارند؛ آنها معتقد به سهم‌خواهی هستند، آنها انقلاب را امری فردی و حق خود می‌دانند. آنها معتقدند به دلیل آن که برای این انقلاب و این سرزمین تلاش کرده‌اند، باید سهمی به مراتب بیشتر از دیگران از سفره انقلاب داشته باشند. آنها در نیل به اهداف با موانعی مانند قانون و مقاومت مذهب‌یون عدالت‌محور روبرو شدند. از آنجا که از یک سو، قانون و مذهب‌یون عدالت‌محور مانع این خواسته آنها هستند و از سوی دیگر، مطرح نمودن چنین درخواستی به صورت علنی سبب آشکار شدن ذات واقعی آنها و از دست دادن موقعیت‌شان در میدان قدرت و دولت می‌شود، سعی کردند از راه‌های غیرقانونی و پنهانی به خواسته خود برسند، لذا مرتکب اعمال غیرقانونی شدند. سیری‌ناپذیری و تداوم اعمال غیرقانونی این گروه از مسئولان و فرزندان آنها در نهایت موجب گسترش فساد در جامعه کنونی و پدیده آقازادگی گردید؛ که بیانگر آن است که برخی از آقازاده‌ها با سرمایه‌گذاری غیرقانونی، رانت، باندبازی، رشوه، اختلاس، پارتی و با اتکا به میدان قدرت وارد میدان اقتصاد شده‌اند و با پایمال نمودن حقوق بسیاری از شهروندان، ثروت کلانی را به دست آورده‌اند که منجر به گسترش نابرابری و شکاف طبقاتی در جامعه شده است. آقازادگی موجب بدبینی مردم نسبت به مسئولان کشور و دولتمردان و خانواده‌های آنها شده است؛ به طوری که مردم همه آقازاده‌ها را از یک قماش ببینند و زیاد دل خوشی از آنها ندارند.

حامد خطاب به حاج محسن: نه ولی مردم حق دارن آقا چوبشو خوردن. متهم‌های خیلی از پرونده‌ها رو پیشونیشن جای مهره. عین ماها لباس می‌پوشن. ریش می‌ذارن. دستشون تسبیحه. تو انگشتشون عقیقه. همین آقای بحری یه روز با بابای من داشت تو جنگ واسه ناموس و وطنش می‌جنگید. ولی حالا خودشونو دورو بریاشون عین بختک افتادن رو مال و ناموس مردم.

اگر یکی از همین مردم گوشه خیابون یقه منو بگیره بگه شما همتون مثل همید من چی بگم؟ چه جوابی دارم بدم؟ از اینکه دستمون بسته‌است حالم بد حاجی. با این همه خون دلی که خوردیم از دور شبیه همونایی هستیم که مردم دیگه بهشون اعتماد ندارن. (قسمت ۲۱).

در این راستا گفتمان‌های اجتماعی مختلف سعی نموده‌اند با بهره‌گیری از زبان و متون فرهنگی مانند سریال آقازاده به بازنمایی و بازتولید ارزش‌ها و معانی گفتمانی خود بپردازند. بنابراین زمینه گفتمانی که حاکی از تقابل گفتمان‌های دینی عدالت-محور و دنیاگرایی اقتصادمحور دارد، در موقعیت دهه‌های اخیر در ایران معنا پیدا می‌کند. لازم به ذکر است که این تقابل بخشی از تحولات نهادی و اجتماعی جامعه ایران است. بنابراین اگرچه این نزاع به‌عنوان نزاعی ارزشی تعریف می‌شود، اما تحلیل گفتمانی سریال گویای این امر است که این نزاع ارزشی خود نزاعی اجتماعی و میدانی است و واسطه این امر فرایندهای مدرنیزاسیون و بسط فرایندهای سرمایه‌دارانه در سراسر جامعه و از جمله در میدان اقتصاد است. بنابراین این مجادله ریشه در فضای اجتماعی دارد که در سریال به‌صورت یک تقابل درون میدانی و فرامیدانی به تصویر کشیده شده است؛ یعنی به لحاظ اجتماعی، این نزاع گفتمانی بر نزاعی اجتماعی بین طبقات مختلف در میدان‌های مختلف دلالت می‌کند.

## بحث و نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر سعی گردید با بهره‌گیری از نظریه فرکلاف به مثابه چشم‌انداز نظری و روش تحلیل گفتمان انتقادی چگونگی بازنمایی پدیده آقازادگی در سریال آقازاده مورد بررسی قرار گیرد. نتایج تحقیق بیانگر وجود دو گفتمان متفاوت در این رخداد ارتباطی (سریال تلویزیونی) است که عبارتند از گفتمان دنیاگرایی اقتصادمحور و گفتمان دینی عدالت‌محور که رابطه تقابلی بین آنها وجود دارد. مهم‌ترین این تقابل‌ها عبارت‌اند از: تقابل عدالت‌خواهی/عدالت‌ستیزی (که دربرگیرنده مراحل زمین‌خواری فساد بانکی، رویارویی در زندان و بازگشت به خویش‌نوازی است)، تقابل عشق ابزاری/عشق ناب، تقابل زن‌محوری/زن‌ستیزی (که دارای دو بُعد آزادی در برابر اسارت، حفظ حیثیت زنان/بازی با حیثیت زنان است)، تقابل خیانت/وفاداری، تقابل تربیت فرزندان (که در دو بُعد فساد اخلاقی/سلامت اخلاقی فرزندان و پایداری نسلی/چپش نسلی نمایان است) و تقابل نزاع در میدان قدرت. نتیجه تقابل گفتمانی بیانگر پیروزی گفتمان دینی عدالت‌محور است. علت این پیروزی نیز در شیوه تربیت و سلامت اخلاقی فرزندان، نگرش مثبت، عادات و رفتار پسندیده مانند وفاداری، صداقت، عدالت و رعایت حقوق و دفاع از حقوق دیگران نهفته است.

شواهد موجود بیانگر آن است که این متن فرهنگی متعلق به گفتمان دینی عدالت‌محور است. گفتمان مذکور برای رفع این دیالکتیک گفتمانی در عزم جدی برای برقراری عدالت و تغییر نگاه بدبینانه مردم به آقازاده‌ها، دولت و حکومت، از طریق رسانه اقدام به ساخت و تهیه سریال «آقازاده» نموده است؛ این بدان معناست که گفتمان‌ها برای نیل به اهداف خود از متون فرهنگی، بهره می‌گیرند. بنابراین جامعه ایران دربرگیرنده مجادله گفتمان‌های مختلف است و فرهنگ، بازنمای مجادله گفتمانی است. گفتمان دینی عدالت‌محور از طریق این متون گفتمانی در وهله اول، سعی دارد که این واقعیت تلخ را نشان دهد که در دهه اخیر برخی از آقازادگان با سوءاستفاده از قدرت و نفوذ والدین‌شان وارد فعالیت‌های اقتصادی غیرقانونی شده‌اند و از این طریق ثروت کلانی را به دست آورده‌اند و شکاف طبقاتی را در جامعه گسترش داده و زمینه‌های ثروت‌اندوزی و تجمل‌گرایی را فراهم آورده‌اند. در نهایت نیز موجب گسترش فساد و بی‌عدالتی در جامعه شده‌اند. در وهله دوم، درصدد است که نشان دهد که همه آقازاده‌ها همانند هم نیستند و برخی از آنها همانند والدین‌شان افرادی شجاع و عدالت‌محور هستند که با ایثار و فداکاری سعی دارند در برابر فساد و عدالت‌ستیزی سایر آقازاده‌ها بایستند و عدالت را در جامعه برقرار نمایند. بنابراین در وهله دوم، این رخداد ارتباطی سعی دارد تلقی مردم مبنی بر این که همه آقازاده‌ها از یک قماش هستند را مورد تردید قرار دهد و به مردم اطمینان خاطر دهد که با وجود این که برخی از آقازادگان مشغول ثروت‌اندوزی از راه‌های غیرقانونی هستند، مابقی آقازاده‌ها در راه برقراری عدالت

مشغول خدمت و فداکاری هستند. این رخداد ارتباطی حاکی از آن است که *آقازادگی* پدیده‌ای فراگیر نیست و فقط تعداد محدودی را دربرمی‌گیرد و آن تعداد انگشت‌شمار نیز توسط مابقی آقازاده‌ها که همانند پدران‌شان در جبهه و میدان عدالت خدمت می‌کنند و تشنه خدمت به مردم و انقلاب هستند، تحت تعقیب می‌باشند و در نهایت نیز شناسایی و پاکسازی می‌شوند و به سزای اعمال خود خواهند رسید. بنابراین باید به آینده امیدوار بود.

در وهله سوم سریال آقازاده سعی دارد نشان دهد که به مردم القا کند که آقازاده‌هایی که مرتکب ثروت‌اندوزی و فساد شده‌اند، همگی دارای فطرت پاکی هستند، چون که نطفه آنها پاک است، چون که آنها فرزندان دلاورانی هستند که با دل و جان و با کمال اخلاص برای این سرزمین جنگیدند و جان خود را فدا کردند. اگر امروزه این آقازاده‌ها مرتکب ثروت‌اندوزی و فساد شده‌اند، بخاطر آن است که راه را اشتباه رفته‌اند. و همین ذات پاک در نهایت موجب می‌شود که آنها از اعمال خود پشیمان شوند و به راه حق و عدالت بازگردند. بنابراین نباید نسبت به آقازاده‌ها و آینده جامعه بدبین بود. در وهله چهارم این رخداد ارتباطی بیانگر آن است که تنها آقازاده‌های عدالت‌محور در برابر آقازاده‌های اقتصادمحور و عدالت‌ستیز ایستاده‌اند و مبارزه می‌کنند، بلکه والدین آنها نیز علی‌رغم آن که در صحنه سیاست و در میدان دولت حضور ندارند و مسئولیت اجرایی و مدیریتی ندارد، هنوز هم با کمال هوشیاری و آگاهی، تحولات جامعه را رصد می‌کنند و هر جا لازم باشد، ورود می‌کنند و در برابر فساد و عدالت‌ستیزی به مبارزه برمی‌خیزند. در نهایت این سریال حاکی از آن است که پدیده آقازادگی و فساد که امروزه در جامعه مشاهده می‌شود، ریشه در گذشته دارد، به ویژه در اوایل انقلاب. بر این اساس سریال *آقازاده* بیانگر راه برون‌رفت از دیالکتیک و تقابل گفتمانی است.

بنابراین گفتمان دینی عدالت‌محور با استفاده از متون فرهنگی (سریال آقازاده) گفتمان رقیب را به چالش کشیده و برتری گفتمان خود را به اثبات رسانده و سوژه‌ها را به گفتمان خود فرا می‌خواند (استیضاح)، اما استیضاح سوژه‌ها یک استیضاح مستقیم نیست، بلکه استیضاحی غیرمستقیم است. استراتژی غیرمستقیمی که این گفتمان با استفاده از آن به استیضاح سوژه‌ها می‌پردازد، استراتژی «امید به آینده» است. در این استراتژی، گفتمان مذکور با استفاده از چنین متونی سوژه‌ها را امیدوار می‌سازد، فساد اقتصادی آقازاده‌ها ریشه‌کن خواهد شد و با نشان دادن این امر، سوژه‌ها را به گفتمان خود فرامی‌خواند و به آنها قوت قلب می‌دهد. بنابراین دوربین تلویزیون واقعیات را صرفاً ضبط نمی‌کند، بلکه آن را رمزگذاری می‌کند. رمزگذاری به واقعیت جهت می‌دهد و این جهت‌گیری خاصیتی فرهنگی و ایدئولوژیکی دارد؛ این بدان معناست که معنا برساخته نظام‌های بازنمایی است. بر مبنای چنین درکی از بازنمایی است که مفهوم گفتمان در متون تلویزیونی مطرح می‌شود، زیرا سریال‌های تلویزیونی به‌وجود آورنده نوعی گفتمان هستند.

دیگر نتایج تحقیق بیانگر آن است که چارچوب نهادی این متن به نهاد اقتصاد و سیاست تعلق دارد و این نهادها عرصه تقابل دو گفتمان دنیاگرایی اقتصادمحور و گفتمان دینی عدالت‌محور می‌باشد. نتایج تحقیق حاضر از آنجا که بیانگر آن است که متون فرهنگی، همواره متون اجتماعی به‌شمار می‌آیند، مؤید نظریه فرکلاف می‌باشد و از آنجا که آشکار می‌سازد که متون فرهنگی همواره به مثابه ابزارهای گفتمانی به کار گرفته می‌شوند، مؤید تحقیقات محمدی و همکاران (۱۳۹۷)، فرجی و همکاران (۱۳۹۲)، بهمنی و سجودی (۱۳۹۴)، تحقیق کوثری و عسکری (۱۳۹۴)، میجر (۲۰۰۱)، جاستون (۲۰۱۰) و دیوت (۲۰۱۴) می‌باشد.

## منابع

- ایمان، محمد تقی (۱۳۹۱). *روش‌شناسی تحقیقات کیفی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بشیر، حسن، اسکندری، علی (۱۳۹۲). بازنمایی خانواده ایرانی در فیلم سینمایی *یه حبه قند*. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۶ (۲)، ۱۴۳-۱۶۱.
- بهمنی، مهرزاد، سجودی، فرزانه (۱۳۹۴). بازنمایی هویت جنسیتی مردانه در مجموعه تلویزیونی *ستایش*. *فصلنامه رادیو تلویزیون*، ۱۱ (۲۶)، ۱۴۹-۱۷۰.
- جعفرزاده‌پور، فروزنده، ساعی، منصور، و جاروندی، رضا (۱۳۸۸). الگوهای قدرت در روابط بین نسلی، بازنمایی سریال‌های ایرانی، مطالعه شبکه ۱ و ۳. *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، ۳ (۲)، ۱۱۹-۱۳۷.
- ساعی، منصور (۱۳۸۹). بازنمایی ابعاد تاریخی و سیاسی هویت ملی در تلویزیون جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی سریال‌های تلویزیونی تاریخی درجه الف در سه دهه پس از انقلاب اسلامی ایران). *دو فصلنامه پژوهش سیاست نظری*، ۷، ۱۱۳-۱۴۲.
- سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۴). *قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نی.
- صادقی‌فسایی، سهیلا، و شریفی‌ساعی، م. (۱۳۹۳). تقابل سنت و مدرنیته؛ کشمکش گفتمانی در الگوهای بازنمایی. *نشریه زن در فرهنگ و هنر*، ۶ (۱)، ۹۵-۱۱۸.
- فرجی، سجاد، گیویان، عبدالله و فاضلی، نعمت (۱۳۹۲). بازنمایی زندگی روزمره جوانان در سریال *فاصله‌ها*. *مجله جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۴ (۴)، ۱۰۵-۱۳۸.
- کوثری، مسعود، عسکری، احمد (۱۳۹۴). بازنمایی خانواده ایرانی از منظر روابط جنسیتی و نسلی در آگهی‌های تلویزیونی. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۸ (۴)، ۲۶-۱.
- کوثری، مسعود، و عموری، عباس (۱۳۹۲). تعریف از خود و ساخت دیگری، مطالعه پسااستعماری سریال‌های حریم سلطان و الفاروق العمر. *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، ۳ (۲)، ۱۴۳-۱۶۶.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی، ضد روش ۲. تهران: جامعه‌شناسان.
- محمدی، جمال، کریمی، مریم (۱۳۹۰). تحلیل قرائت‌های زنان از مجموعه‌های تلویزیونی (مطالعه موردی قرائت‌های زنان شهر ایلام از سریال *فاصله‌ها*). *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۴ (۱)، ۴۹-۷۷.
- محمدی، فریدین و خالقی‌پناه، کمال (۱۳۹۷). بازنمایی سریال‌های تلویزیونی و برساخت گفتمانی خانواده. *مجله علوم اجتماعی مشهد*، ۱۵ (۲)، ۷۵-۱۰۵.
- یورگنسن، ماریان، و فیلیس، لوئیس (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نی.
- Dutt, R. (2014). *Behind the Curtain: Womens Representations in Contemporary Hollywood*. London: LES.
- Johnston, J. (2010). Girls on Screen: How Film and Television Depict Women in Public Relation. *Prism*, 7 (4): 1-17.
- Khadiikar, K., KhudaBukhsh, A. R. & Mitchell, T.M (2022). Gender bias, social bias, and representation in Bollywood and Hollywood. *Pattern article*, 3 (2), 1-21.
- Fang, A; Eric, m. (2000). Formal – informal use of television and sex role stereotyping in hong kong- statistical data included; sex. *Journal of research*, 7 (1).
- Meijer, C. (2001). the Color of Soap Opera: an Anlysis of Professional Speech on the Representation of Etnicity. *Europian Journal of Cultural Studies*, 4 (2): 207-230.